

بِقَلْمِ  
دَاوُدْ أَصْفَهَانِيَان

(دکتر در تاریخ - استادیار دانشگاه اصفهان)

## تشکیلات نظامی سلجوقیان

سلجوقيان که در قرن پنجم هجری ( یازدهم ميلادي ) در خاور میانه ، امپراتوري بزرگی تأسیس کرده اند ، نه تنها در تاریخ ایران بلکه در تاریخ جهان اسلام و در سطح وسیعتری در تاریخ آسیا تأثیر بسیار کثیر داشته اند . این خاندان برای ایران ، عراق ، سوریه و آسیای صغیر بادولتهای وابسته هدت ۳ قرن حکمرانی کرده اند . ۱

در دوره عظمت سلاجقه سپاه ، رکن اساسی دولت را تشکیل میداد ، بهنگام سلطنت ملکشاه ( ۴۸۵ - ۴۶۵ ه ) که اوچ قدرت سلجوقیان میباشد بزرگترین نیروی نظامی قرون وسطی بوجود آمد که بعدها این سپاه نمونه ای برای سایر دولت‌های اسلامی شد .

در حقیقت هیتوان گفت همه امکانات پیشرفت و گسترش این دولت بسته به سپاه بود و سپاه هسته اصلی همه امور محسوب میشده چنانکه سلاطین ، قبل از هر کاری در رأس سپاه قرار داشتند و در نبردها سمت فرماندهی را مستقیماً بهمده میگرفتند . البته این امر در تمام حکومت‌های گذشته و حال مرسوم و متناول بوده است .

۱- برای اطلاع بیشتر در مورد تاریخ این دوره مراجعه شود به: راحت الصدور - سلیمان راوندی بسی محمد اقبال و حواشی مجتبی مینوی . انتشارات امیر کبیر . تهران ۱۳۳۳ .  
الکامل فی التاریخ ابن اثیر جلد نهم . سلجوقتامه - ظهیر الدین فیشاپوری .

در بنیان اساسی امپراتوری سلاجوقی ، ایرانیان اکثراً بهدهدار امور سیاسی بودند و کادرهای سیاسی را تشکیل میدادند و ترکان نیز عموماً تشکیلات نظامی را در دست داشتند .

سلاجقه همانطور یکه برای تشکیلات اداری از تشکیلات حکومت های قبلی استفاده میکردند در تشکیلات نظامی نیز این امر صورت گرفته است و بیشتر روش ارزنویان را اتخاذ نموده و سپس بنا بمقتضیات آن را تکمیل کرده اند .

تشکیلات وارکان نظامی سلاجوقی درسه قسمت تحت عنوان زیر مورد بررسی قرار میگیرد . ۳

۱ - نیروی انسانی    ۲ - تشکیلات    ۳ - تجهیزات و سازو برگ

### ۱- نیروی انسانی :

بدون تردید از عامل بوجود آور نده سپاه ، نیروی انسانی هؤلئه ترین عامل را تشکیل میداد زیرا سپاهی هر قدر سازمان منظم و سازو برگ کامل داشته باشد بیروزی بوسیله نیروی انسانی تأمین خواهد شد . چه بسیار مشاهده شده است ، ارتشهایی که از تجهیزات و تشکیلات کافی برخوردار نبوده اند ولی درسایه کارهایی و کارآئی افراد فاتح گردیده اند .

در ابتداء قدرت این حکومت قوای عشایری ، قسمت اعظم قدرت نظامی را تشکیل میداد که رفته رفته این سیستم در عصر امپراتوری جای خود را به قوای نظامی منظم که صاحب ، حقوق واقطاع معین بود داد . اراضی داخل مرزهای امپراتوری تقویم و تحریر شده و بنابر عایدات سالیانه بصورت اراضی

۲ - وزارت درعه سلاطین بزرگ سلاجوقی . تألیف مرحوم عباس اقبال . تهران ۱۳۳۸ . صفحه ۱۸ .

۳ - برای اطلاع از طرز تقسیم بندی فوق به مأخذ زیر مراجعه شود :  
Mohmet Altay Kömen , Alparslan Zamani Selcuklu Askeri Teski Lâti , ANKARA . 1967 .

بزرگ و متوسط و کوچک تفکیک گردیده عشیریه ورسوم این اراضی در مقابل خدمت اهرا و نظامیان بفراخور موقیت به آنان واگذار شده بود.<sup>۴</sup> از جمله نوآوریهای بسیار هم که در تشکیلات نظامی سلجوقیان به چشم میخورد سر بازان صاحب اقطاع هستند و طریقه اقطاع مخصوصاً در عهد سلاجقه اصول ونظم معینی یافت.<sup>۵</sup> این اصول از یکطرف بدون آنکه بارسنگینی را برداش حکومت تحمیل نماید سپاهیان کثیری فراهم می کرد و از طرف دیگر باعث عمران و آبادی قلمرو حکومت می شد.

خواجه نظام الملک به عمران آبادی اراضی توجه خاصی داشت و گویا اصول اقطاع نظامی را وی مورد توجه قرارداده است. قبل از خواجه نظام الملک قطعات کوچکی بعنوان اقطاع وجود نداشت اراضی بصورت قطعات بزرگ همچنانکه در عهد عباسیان مرسوم بوده به اهرا و اگذار گردیده است.<sup>۶</sup>

تا زمان خواجه نظام الملک اکثرآ به سپاهیان هائفند ادوار سامانیان، غزنویان و صفاریان حقوق پرداخت میشد<sup>۷</sup> این نوع اصول اقطاع بعداً در همه دولتها متدالو گردید و شاهزادگان، ولات و سایر اهرا و رجال و نظامیان بنا به موقیت و درجه شان اقطاع داشتند.

ترکمانان که در ابتدای تأسیس امپراتوری سلجوقی نقش اساسی داشتند بعدها بتدریج موقیت خود را از دست دادند و جای آنها را غلامان ترکی که بنا به مقتضیات جدید تربیت شده بودند گرفتند.

4— Osmani Devleti Teskilatina Medhal , Prof , ismail Hakki Uzunçarsili , ANKARA. 1970 , s 52 .

- ۵— دایرة المعارف مصاحب کلمه اقطاع صفحه ۱۸۳
- ۶— برای اطلاع کامل از کیفیت اقطاع رجوع شود به: کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران تأليف پتروفسکی ترجمه کریم کشاورز جلد دوم صفحه ۴۵ .
- ۷— سیاست نامه خواجه نظام الملک بکوشش مرتضی مدرسی چهاردهی، ناشر کتابخانه طهوری، تهران. ۱۳۳۲. فصل بیست و سوم .

درمورد اینکه غلام چگونه برای سپاه سلجوقی تدارک میشد در سیاستنامه بدین موضوع اشاره شده است.<sup>۸</sup> قبل از تشکیل حکومت وسیع امپراتوری سلجوقی امراء ترک که در خدمت غزنویان از غلامی به امیری رسیده بودند، با تفاق غلامان تحت فرماندهی خود به سلجوقیان پیوستند و بعد از قدرت گرفتن این دولت، صاحب نفوذ فراوانی شدند.<sup>۹</sup> درمورد فوق، مربوط بدوره حکومت آل بویه چند مثال مشخص آورده میشود.

فاخر بیاک تکین پسر عبدالله که به ابن الشرابی معروف است در زمان آل بویه بمقام فرماندهی رسیده بود در عصر طغرل بخدمت سلجوقیان در آمد.<sup>۱۰</sup> سعد الدوله گوهر آئین که در زمان طغرل، آلب ارسلان و ملکشاه حتی در زمان برکیارق در دستگاه حکومت نقشی داشته است ابتدا غلام بادوی خوزستانی بوده است و بعدها وی بخدمت آخرین حکمران آل بویه ابوکالیجار در آمد است. گاهی غلامان از اشخاص بحکمران ویا از حکمرانان به کسان دیگر در دستگاه حکومت منتقل میشدند. وقتی حکمرانی فوت میکرد غلامان و امراء و حجا جبانیکه از غلامی باین مقامات رسیده بودند بخدمت حکمران جدید در میآمدند. مثلاً به اسمی ۱۱ حاجبی در منابع دوره طغرل برخورد میکنیم که نامه نفرشان در دوره آلب ارسلان نیز آورده شده است دونفرشان نیز در خدمت ملکشاه بوده‌اند.<sup>۱۱</sup>

.۸- سیاستنامه خواجه نظام الملک فصل ۲۴ و ۲۷ .

9-Mehmet Altay Kömen, Büyük Selçuklu imparatorluğunun Kurulusu D. T. CF, Dergisi XVI , 13-4 , S.56-57 .

10— Ibnü'l — Fa Vatî , Mecma 'u 'l — âdâbfî Mu 'Cami , 1.Elkâb Türkterc . IV / 3.s.8.

۱۱— اسمی یازده نفر از حاجبان طغرل بدین ترتیب است : ۱- ساو تکین ۲- بارتکین ۳- یاروخ تکین ۴- خمار تاش ۵- خمار تکین ۶- قوش تکین ۷- اردم ۸- ایناج دیک ۹- فرخ ۱۰- پرسوک ۱۱- آی تکین .

ibnel- Gevzi, Mir, atüz- Zaman, nsr. Alisevim ANKARA, 1968. s.27-245.

مرآت الزمان ابن جوزی . ناشر علمی سویم. آنکارا ۱۹۶۸ . صفحه ۲۷ - ۲۴۵

عده‌ای از غلامان را غلامان سرای میگفتند و اقطاع نداشتند بلکه هم قریری دریافت هیکردن و درواقع گارد مخصوص سلطان را تشکیل میدادند فرمانده آنان « سالار غلامان سرای » خوانده میشد. خواجه نظام‌الملک به ملکشاه توصیه کرد که از میان این غلامان خاصه دویست نفر را که از نظر قد و قامت و تناسب اندام متناسب باشند بنام « مفرد » انتخاب نماید تا در تشریفات و مراسم مختلف خدمتگزار و محافظ سلطان باشند درخواست خواجه مورد قبول ملکشاه واقع شداین‌رده از افراد سپاه که « مفرد » خوانده میشدند از نظر اندام وقد و سلحشوری معروف بودند صد نفر آنان از خراسان و صد نفر دیگر از هر دو دیلم انتخاب میشدند « مفردان » در سفر و حضور در خدمت سلطان بودند لباسشان زیبا و سلاحشان کامل بود. در موادر لزوم مسلح میشدند و در غیر اینصورت سلاح خود را به اسلحه خانه تسلیم میکردند.

بیست نفر از « مفردان » سلاح و سپر و حمامیل طلاًئی و ۱۸۰ نفر بقیه همان تجهیزات را از نقره داشتند و برای هر پنجاه نفر فرماندهی تعیین میشد که آنرا نقیب میگفتند.<sup>۱۲</sup> مقرری این عده سالی چهار بار پرداخت میشد و آنرا پیشه کانی هیخواندند.<sup>۱۳</sup>

در معیت ملکشاه سلجوقی علاوه بر غلامان خاص بطور دائمی چهل و شش هزار سوار صاحب اقطاع وجود داشت اقطاع این رده سواران در مناطق مختلف قلمرو سلجوقی گسترده بود، عایدات این اراضی جمع آوری شده و صرف مایحتاج و علوفه این عده میشد. شاهزادگان و امراء و رجال فیز به نسبت اقطاع خود سربازان نیز از غلامان تربیت شده و تجهیز میگردیدند.

بطوریکه اشاره شد ترکمانان در دوره های اولیه تشکیل حکومت سلاجقه رکن اساسی سپاه را تشکیل میدادند ولی بعدها موقعیت آنان تضعیف

۱۲ - سیاستنامه خواجه نظام‌الملک فصل نوزدهم.

۱۳ - همان کتاب فصل بیست و سوم.

گردید معاذالک درسپاه سلجوقی توانسته بودند بوجود داشت خودادمه دهند و خصوصاً گروه ضربتی مؤثری را تشکیل میدادند.

بهنگام اعلان جنگ و آماده باش درسپاه سلجوقی علاوه بر اردوی خاص وقوای اعزامی حکومت‌های تابع و امراء صاحب اقطاع از بین مردم دسته‌های غیر منظمی بنام «حشر» تشکیل میشد که بطور داوطلب و مزدور وارد خدمت دولت شده و معمولاً پس از خاتمه جنگ مرخص میشدند.<sup>۱۴</sup>

## ۲- تشکیلات : کتابخانه مد : سه فیضیه‌الم

براساس تشکیلات کلی سپاه در عصر سلجوقیان تشکیلات بدو قسمت جنگی و غیر جنگی تقسیم میشد:

### الف : قسمت جنگی

این قسمت هر کب از دو رده سواره نظام و پیاده نظام بود. بنابراین حساب روش متداول جنگی در عصر سلاجقه رده سوار بیشتر از پیاده بود و در جنگها نیز سوار بیش از پیاده نقش داشته است. وقتی خبر در گذشت طغول منتشر شد آلب ارسلان با بیست هزار سوار و ده هزار پیاده از خراسان حرکت کرد.<sup>۱۵</sup> رده سواره نظام را عسکر (جمع: عساکر) و پیاده را جند (جمع: اجناد - جنود) می‌خوانند.<sup>۱۶</sup> چنین استنباط میشود که کلمه جنود در بعضی موارد به تمامی سپاه اطلاق شده است. در بعضی منابع رده سوار نظام سلجوقی راحشم (جمع: حواشی) و خیل (جمع: اخیال - خیول) آورده‌اند.<sup>۱۷</sup>

14- Islan Ansiklopedisi, Cilt 10 , S . 399

۱۵ - ابن الجوزی . صفحه ۱۰۱ و ۱۰۲

16-H.A.R. Gibb, The , Armies Of saladin, Studies On The Civilization of Islam , ed . S . J. Shaw W. R. Polk , London , 1962, P. 83-84.

۱۷ - ابن الجوزی . صفحه ۳۳۰

کلمات حشم و حواشی به سپاه خاصه و خیل و خیول به سربازان صاحب اقطاع و قوای اعزامی حکمرانان تابع اخلاق میشد.

قسمت جنگی سپاه شامل صنوف مختلف بود، اولین صنف را طلایه تشکیل میداد. از ابتدای شروع قدرت سلاجقه بقسمت طلایه اهمیت زیادی داده میشد. بطوریکه خواهیم دید فرماده این قسمت کسی بود که در فرماده‌ی گروه طلایه تبحر و تخصص داشته و مدت مديدة این وظیفه را عهده دار بوده است. مسلم است که وقتی فرماندهی دارای چنین اختصاصاتی باشد قوای تحت فرماده‌ی وی نیز از تعلیم و آموزش خلاصی برخوردار بوده‌اند.

افراد سپاه بنایه نوع اسلحه و وظیفه‌ایکه در جنگها داشتند به صنوف مخصوص تقسیم میشدند، هانند: تیراندازان، حربه داران، گرزداران، دبوس داران، نجاق داران، شمشیر داران، منجنيق داران، اراده داران و غیره کسانی بودند که بنابر بکار بردن اسلحه خود رده‌های مخصوصی را تشکیل میدادند.<sup>۱۸</sup> البته اسامی فوق الذ کر بعلم بکار بردن سلاح اصلی باین نامه‌اخوانده شده والا هر سربازی در اثنای جنگ حامل سلاح دیگری نیز بود که موقع از آنها استفاده میکرده است، بعنوان مثال سپر و خنجر و کاردھمیشه به مرأه سربازان هر صنفی بوده است. نفتاندازان، کمندداران، هشعل داران، بیرق داران و کسانیکه بهنگام محاصره از دیوارهای قلع بالا میرفتند نیز بنایفعالیتی که در همار بات داشتند دیگر صنف‌های جنگی را بوجود آورده بودند.

### کتابخانه مدرسه فرهنگی قم

### ب - قسمت غیر جنگی سپاه :

این رده از سپاه در حر کت عمومی نیروهای جنگی شرکت داشتند ولی وارد کارزار نمیشدند و در معیت حکمران عازم نبرد در حر کت بودند. در واقع حرم، خزانه، چهار، ایان، علوفة، منشیان سپاه، دانشمندان، ندیمان، هنجمان و کارکنان مطبخ خاص و کسانیکه بدبمال سپاه هایحتاج ضروری افراد را عرضه میکردند

جز و قسمت غیر جنگی سپاه بودند.<sup>۱۹</sup> بعضی از افراد نظیر ندیمان، منجمان و کارکنان مطبخ شاهی با وجود اینکه در ائمای جنگ در کنار حکمران بودند معدالک جزو ابواب جمع غیر جنگی محسوب میشدند و کسانی مانند سازندگان پل و اسلحه و سایر افراد کمکی نیز جزو این رده بودند. معدالک مشاهده میشود که در ائمای جنگ مجبور به ساختن و احداث پل میشدند و کسانی که در این موارد بکار میپرداختند مجبور به شرکت در نبرد بودند و جزو جنگجویان بحساب آورده میشدند.

### ج - رتبه و درجات نظامی :

در سپاه سلجوقی بنابراین بنيه و اساس تعداد رتبه‌ها و درجات زیاد نبوده و مانند امروز درجات متعدد نظامی وجود نداشته است. چنین بمنظور میرسد که در عصر سلاجقه درجات از کوچکترین هراتب بدین ترتیب بوده است. او تاق باشی<sup>۲۰</sup> سرخیل، حاجب<sup>۲۱</sup> و سرانجام امیر که در بعضی منابع سalar و سپهسalar و یا امیر سalar و امیر اسفة سalar نیز آورده شده است.<sup>۲۲</sup> در مورد اینکه صاحب منصبان فوق الذکر فرماندهی چند نفر را درآشتند مثلاً او تاق باشی و یا سرخیل در رأس چه تعدادی از افراد بودند اطلاعاتی در دست نیست. اما آنچه که از ترکیب کاملاً او تاق باشی معلوم میشود صاحب این رتبه در رأس افراد ساکن یک چادر یعنی در حدود ۸ تا ۱۰ نفر تقریباً معادل درجه سرجوقة امروزی را داشته است که اولین رتبه سپاه را تشکیل میدارد. در زمان چفری بیک صاحب منصب رتبه حاجبی در رأس ۵۰ غلام قرار

19— Mehmet Altay Köymen, Alp Arslan Zananis elcuklu Saray Teskilati Ve Hayati, ANKARA, 1966 , S. 51.

۲۰ — او تاق در زبان ترکی معنای چادر بزرگ هم میباشد.

Osmalny Tarih Deyimleri Ve terimleri Sözlugu , istanbul 1971—Cilt II , S. 741 .

21— F. Köprülü, i , A. Hacib Mad.

۲۲ — سلجوقنامه — خواجہ امام ظاہیر الدین نیشابوری از نشریات کلاله خاور. تهران ۱۳۳۲ . صفحات ۳۷ و ۵۹ .

داشت. ۲۳ اینطور بنظر میرسد که این وضع در زمان آلبارسلان نیز تغییر پیدا نکرده است زیرا بعداز آنکه امپراتور بیزانس رومانوس دیوجانوس آزاد گردید تحت محافظت دونفر حاجب که فرماندهی صدغلام را داشتند به قلمرو حکومتش باز گردانیده شد. ۲۴ در این صورت سرخیل فرماندهی افرادی بین ۱۰ تا ۵۰ نفر را داشته و این تعداد بین ۲۵ و ۲۰ نفر نیز احتمال دارد متغیر باشد. سرخیل علاوه بر وظایفی که در سپاه داشت خارج از این وظیفه نیز از وجودشان استفاده میشد چنانکه وقتی آلبارسلان در خوارزم مشغول قتوحاتی بود سرخیلی را بانامه‌ای که در آن قتوحات اخیر را شرح میداد بینزد نظام الملک فرستاد. ۲۵ مشاهده میشود که در این مورد از سرخیل بعنوان قاصد فتح نامه استفاده شده است.

در مورد افراد تحت فرماندهی امیران نمیتوان اظهار نظر کرد زیرا افراد تحت فرماندهی آنان دائمًا در حال تغییر بودند چنانکه در زمان ملکشاه وقتی خواجه نظام الملک امیری را بحضور خلیفه معرفی میکرد هر بار تعداد سپاهیان تحت فرماندهی وی را منتذ کر گردیده است.

در سپاه دسته‌ای افسر نیز تحت عنوان سرهنگ پاچاوش وجود داشت سرهنگان در دربار و سپاه افرادی تحت فرماندهی خود داشتند اما موقعيت رتبه و محل خدمت آنان را در کادر سپاه نمیتوان بدروستی معلوم کرد آنچه مسلم است رتبه این افراد بالاتر از سرخیل و پائین‌تر از امیر بوده است. ۲۶ سرهنگان علاوه بر وظایف افسری وظایف انضباطی هم داشتند بطوریکه وقتی آلبارسلان یکی از ملاحده را بازجوئی میکنند به سرهنگان (چاوشان) دستور میدهد وی را باسیلی و مشت از حضورش بیرون کنند. ۲۷

۲۳ - تاریخ سیستان تصویح ملک الشعرا بهار صفحه ۳۷۹ .

24- Mehmet Altay Köylen , Alp Arslan ... S. 91 .

۲۵ - ابن الجوزی صفحه ۱۳۱ .

26- Adâbul – Mülük , 95 b .

۲۷ - سیاستنامه خواجه نظام الملک فصل ۴۲ صفحه ۱۶۳

وقتی بین تشن، حکمران سلجوقی سوریه و سلیمانشاه حکمران سلجوقی آناتولی اختلاف بروز کرد ملکشاه سلجوقی برای مداخله در جریان از تکریت به موصل آمد در این هنگام عربی بادیه نشین بحضور سلطان آمد و شکایت کرد یکی از غلامان سلطان نیزه وی را بزور گرفته است سلطان تحقیق در این موضوع را به چاوشه (رده سرهنگان) محول کرد. چاوشن (سرهنگان) غلام نیزه را آوردند و سلطان امر کرد دست غلام را بپرند. ۲۸

### ۳- تجهیزات و ساز و برگ:

تجهیزات وسایلی بودند که افراد سپاه بوسیله آنها می‌جنگیدند. این وسایل با تشکیلات متفقاً سپاه را آماده نبرد و کارزار می‌نمود. استفاده هم‌آهنگ از نیروی انسانی، تشکیلات و تجهیزات باعث پیروزی سپاه در جنگ بود. تجهیزات شامل چهار پایان (اسب و استروشتر و فیل)، جنگ‌افزارهای مختلف، انواع وسایل دفاعی پوشیدنی (زره - خود... ) وغیره بود ابتدا انواع جنگ افزارها را مورد بررسی قرار میدهیم :

#### جنگ افزارها

انواع جنگ افزارها مطابق با اصول نبرد و نوع کارزار ساخته می‌شد. برخورد سریع و جنگ دور ادور مبنای اساسی جنگ اقوام و طوایف ترک نژاد را تشکیل میدهد. ۲۹ این تاکتیک بیشتر در جنگ‌های جبهه‌ای بمورد اجراء گذاشته می‌شد و در نبردهای شهری و محاصره قلاع طبیعی است که جنگ افزارهای مخصوصی بکاربرده می‌شد. بدین ترتیب جنگ افزارها بدوسته سبک و سُنگین تقسیم می‌شدند :

#### الف - جنگ افزارهای سبک :

در سپاه سلجوقی بطور کلی جنگ افزارهای سبک عبارت بودند از تیر

۲۸ - ابن الجوزی صفحه ۲۳۹.

29- R.C. Smail , Crusading Warfare , Cambridge, 1967 . P. 78

و کمان، سپر، نیزه، شمشیر، گرز و نجاق (نوعی تبرزین) خنجر و کارد.<sup>۳۰</sup> بطوریکه مشاهده می‌شود این جنگ افزارها در دوره‌های مختلف بوسیله اقوام متعدد بکار برده می‌شد.

گویا در این تاریخ تیرها تامسافت ۱۶۰۰ متری یعنی حدود یک میل طی می‌کرده است (برد داشته است) در حدود سالهای ۱۰۱۷-۱۰۱۸ میلادی که تسلط سلجوقیان بر ارمنستان شروع شد سواران چابک سوار سلجوقی کمان و تیر نوک پولادی آنان توجه مردم این سامان را بخود جلب کرده است.<sup>۳۱</sup> در سرتاسر تاریخ، هر حکمرانی علاقه‌مند بیک نوع سلاح خاصی بوده است و در بکار بردن آن مهارت داشته و در جنگها نیز سعی می‌کرده است از آن استفاده کند مثلاً آلب ارسلان سلجوقی تیرانداز ماهری بود و سلاح مورد علاقه‌اش تیر و کمان بوده است. بطوریکه وقتی یوسف خوارزمی کوتوال قلعه برزم را که هر تکب خلاف شده بود بحضورش آوردند خواست بوسیله تیر و کمان وی را بقتل برسانند که برای اولین بار تیرش بخطا رفت و باعث از دست رفتن زندگی وی شد.<sup>۳۲</sup> باران بزرگترین دشمن کمان بود چون وقتی زه کمان خیس می‌شد تیراندازی امکان نداشت. تیر و کمان بیشتر اسلحه جنگهای جبهه‌ای بود بطوریکه در نبرد ملازم گرد مؤثر ترین جنگ افزارها علیه بیزانسی هاتیر بود. تیر تنها در جنگهای جبهه‌ای بکار برده نمی‌شد بلکه در محاصره قلاع نیز مورد استفاده بود. تیر مانند مسکوکات و سایر اشیاء قیمتی در خزانه فکهداری می‌شد و در موارد ضروری از خزانه به سپاه منتقل و در اختیار افراد قرارداده می‌شد. وقتی در زمان آلب ارسلان حکمران حلب علیه وی قیام کرد ضمن محاصره حلب تیر سپاه تمام شد بفاصله یکروز تعداد ۸۰ هزار تیر از طرف خزانه در دسترس سپاهیان

30— R. C. Smail, P 77.

31— I. Kafesoglu, Dogu Anadoluya ilk Selcuklu Akini, Istanbul, 1950 S. 259—274.

۳۲— سلجوقنامه ظهیر الدین نیشا بودی صفحه ۲۸.

قرارداده شد . تیر و کمان نیز همانند سایر جنگ افزارها در صورت لزوم در میدان نبرد ساخته می شد . در اثنای جنگ هر تیر انداز حامل ۳۰ تا ۵ تیر بوده است . ۳۳ بدون تردید انواع شمشیر ، خنجر و کارد نیز در محاربات بکار میرفته است . انواع سلاح برندۀ در مواد غیر جنگی نیز مورد استفاده بسود بخصوص شمشیر بیشتر جلب نظر می کرد بطوریکه خلفای بغداد در هر اسم مختلف ضمن هدایایی که بسلطین سلجوقي میفرستاده اند در کنار سایر خلعتها و هدایا چند قبضه شمشیر نیز قرار می دادند .

بنابر توشه خواجه نظام الملک در بین سلاحهای مرصعی که در خزانه نگهداری می شد و در مراسم رسمی از جمله قبول سفراء از آنها استفاده می کردند شمشیر نیز وجود داشت و بعلاوه «مفردان خاص» نیز حامل یک قبضه شمشیر و سپر بودند که ۲۰ نفر از آنان حمایل طلائی و ۱۸۰ نفر شان حمایل نقره ای داشتند . البته شمشیر و سپر دو سلاحی هستند که در نبردها و هم در تشریفات بکار برده می شد .

### ب - جنگ افزارهای سنگین :

در بحث مربوط به جنگ افزارهای سبک اشاره شد که این سلاح در جنگهای جبهه ای و حمله و شیوخون و جنگهای چریکی بکار برده می شد . جنگ افزارهای سنگین بیشتر در محاصره شهرها و قلاع که معمولاً بوسیله آب یا خندق میحصور شده بود بکار میرفت . بنابر کارآئی این آلات و ادوات میتوانیم آنها را جنگ افزارهای محاصره ای بنامیم .

در ابتدای امپراتوری سلجوقي با آنکه در جنگهای جبهه ای سپاه این دولت همیشه با موقیت رو برو بود معداً الک در جنگهای محاصره ای پیشرفت چندانی نداشته اند بعنوان مثال طغول سلجوقي در این مورد موقیتی نداشته و یا آلب ارسلان از گشودن قلاع مستحکم چشم پوشی میکرده است . در منابع موجود به غیر از منجنيق از اسمی جنگ افزارهای سنگین دیگر مطلبی بهش

نمی خورد ولی مسلم است که در سپاه سلجوقی علاوه بر انواع منجنيق ابزاری بنام «چرخ» وجود داشته که برای انداختن تیرهای سنگین بسکار میرفته و نیز دستگاهی بنام نفت‌انداز مورد استفاده بوده است.

منجنيق ادواع مختلفی داشت، دونوع بیش از انواع دیگر متداول بود منجنيق و اراده<sup>۳۴</sup>. منجنيق ابزاری بود که در انداختن قطعه سنگهای بزرگ هورداستفاده قرار میگرفت. در مقابل برای انداختن سنگهای کوچک و نسبتاً سبک از اراده استفاده میشد. منجنيقهای براساس ساختمان و اینکه روی ارایه‌ها و چرخها حرکت داده میشد و یا اینکه بیک سمت و یا جهات مختلف میتوانستند سنگ بیاندازند و نیز در بزرگی و کوچکی انواع متعددی داشتند.<sup>۳۵</sup> هائند منجنيق روان، منجنيق خفت، اراده گردان و منجنيق یک روی، بعلاوه منجنيقهای مخصوصی هم وجود داشت هائند منجنيق عروس، منجنيق دیو، منجنيق غوری (مخصوص غوریان بود). از منجنيقهای مخصوص منجنيق عروس میتوانست بهجهار جهت سنگ پرتاب کند از اسم «منجنيق دیو» معلوم است که قویترین این ابزارها بوده است. در مورداينکه منجنيق غوری چه هزیتی داشته است اطلاعی در دست نیست. فرق بین منجنيق سنگین و سبک (اراده) در این بود که اراده سنگهای بوزن ۳ تا ۴ کیلو پرتاب میگرد و منجنيق سنگهای بین ۲۵ و ۷۵ کیلو و بزرگترین منجنيقهای میتوانستند سنگهای بوزن ۹۰ کیلو پرتاب ذمایند.<sup>۳۶</sup> بنابراین فرق آنها علاوه بر طرز ساختمان و جسمه در اندازه و وزن گلوله‌های کره‌ای سنگی بود. در منابع مربوط به دوره سلجوقی بیشتر صحبت از منجنيق شده و چنین بنظر میرسد که از اراده کمتر استفاده شده است آلب ارسلان در سرتاسر جنگهای محاصره‌ای خود کمتر از منجنيقهای بزرگ استفاده کرده است در صورتی‌که در سپاه بیزانس که در نبرد ملاز گرد آنها مغلوب کرد منجنيقی

34— Fahr-i Müdebbir , 121—b .

35— Fahr-i Müdebbir, 121—b.

36— K. Huuri , Zur Geschichte Mittelalterlichen Geschützwesens aus Orientalischen Quellen , Helsinki, 1941 , S . 94-192, 207—221

بزرگ وجود داشت که آنرا ۱۰۰ ازابه وطنابهای آنرا ۱۲۰۰ نفر میکشیدند و سنگهای بوزن ۹۰ کیلو پرتاب میکرد.<sup>۳۷</sup> چنین معلوم میشود که در زمان آلب ارسلان از لحاظ بکار بردن جنگ افزارهای سنگین سپاه بیزانس بر ارتش سلجوqi برتقی داشته است. از منجنیق در شب و یا روز استفاده میکرده اند. محصورین برای جلوگیری از فعالیت منجنیقهای، یا کم کردن شدت تهاجم تدابیر مختلفی بکار میبردند. مؤثرترین تدابیر مقابله با فعالیت منجنیقهای دشمن استفاده مقابله از منجنیق از داخل شهر یا قلعه بود یکی دیگر از طرق مبارزه با منجنیق آتش زدن آن بوسیله پرتاب بطریهای پر از مواد نفتی بود. منجنیق همیشه برای درهم شکستن استحکامات بکار برده نمیشد بلکه بوسیله آن داخل شهرها را نیز سنگباران میکردد. یکی دیگر از طریقهای مقابله با گلوله های سنگی منجنیق پوشانیدن استحکامات قلاع بوسیله مواد فرم بود. بدین ترتیب قدرت تخریبی سنگهای که بوسیله منجنیق بر دیوارها اصابت میکرد کم میگردید.<sup>۳۸</sup>

#### د - قسمت حمل و نقل سپاه (تراپری)

در سپاه و حمل و نقل تجاری و مسافرت تنها اسب بعنوان وسیله حمل و نقل بکار نمیرفت بلکه از استر، استر، گاویمش و سایر چهار پایان نیز استفاده میشد اما در واقع در حمل و نقل بترتیب کارآئی و اهمیت در درجه اول از اسب و سپس استر و شتر استفاده میکردد.

لازم به تذکر است توضیحی که درباره عناصر سه گانه تشکیل دهنده سپاه داده شد بیشتر جنبه هادی داشته است، در کنار جنبه های هادی جسارت، ممتازت، اطاعت، فرمانبرداری و نظم و ترتیب نیز جنبه های معنوی را تشکیل میداد. واضح است وقتی ظفر و پیروزی نصیب این سپاهیان میشد که جنبه های هادی بوسیله خصوصیات معنوی حمایت و پشتیبانی میگردید مسلم است در نبردها تنها عناصر هادی کافی نیست بلکه در یک پیکار عناصر هادی و معنوی نقش توأمی دارند.